

گفت‌وگوی «جوان» با دبیر علمی گروه قرآن مرکز مدیریت حوزه علمیه خواهران

تشخص غیر اسلامی

به تشدید زمینه‌های آزار علیه زنان دامن زده‌است



حجاب نمادی از زن مسلمان است. به بیان دیگر حجاب پرچم دین اسلام به شمار می‌رود و بدیهی است در یک جامعه اسلامی حجاب یکی از مسائل اصلی به شمار آید. در واقع اسلام با حجاب به زن تشخص می‌دهد. اسلام زن مؤمن را به گونه‌ای معرفی می‌کند که طمع ناپاکان از او بریده شود. در مقابل، تشخص غیر اسلامی بی‌تعهد در این باره است و اگر نگوئیم خواسته یا ناخواسته به تشدید زمینه‌های آزار علیه

حجاب یکی از موضوعات مهمی است که در جامعه اسلامی مطرح می‌شود و حجاب داشتن بانوان معلول تعمیق باورهای دینی آنها که تجلی ظاهری آن‌ر در قالب پوشش شاهد هستیم. از نگاه شما پیش‌نیاز حجاب این تعمیق باورهای درونی برای حل مسئله حجاب در جامعه چیست؟

اجتماعی شدن معلول درونی شدن بسیاری از مفاهیم و عناصر جسمی، گرایشی و رفتاری در اجتماع است. این مجموعه باید به شکلی حکیمانه و بسا برداری ضمن توجه به ظرفیت‌های موجود به مخاطبان انتقال

یابد، تا روند اجتماعی شدن عناصر دینی در زندگی مسلمانان صورت پذیرد. اسلام تکالیف را بر اساس ظرفیت‌های افراد متوجه ایشان می‌کند؛ «لا یكلف الله نفسا الا وسعها». استخراج مؤلفه‌های زمینه‌ساز پوشش

اسلامی در جامعه بر مبنای آموزه‌های قرآن و تروسیم صراط مستقیم قرآن و روشنی است که خدای متعال برای فرهنگ شدن حکم پوشش اسلامی در جامعه می‌پیماید و امر به معروف و نهی از منکر به مرحله‌ای بعد از هنجار شدن و فرهنگ شدن هر یک از عناصر دینی از جمله پوشش اسلامی مربوط است.

اگر بیان حکم پوشش اسلامی نیاز به ایجاد ظرفیت‌هایی در جامعه مؤمنان دارد، این ظرفیت‌ها چیست؟ شواهد آن در آیات قرآن کدام است؟

آیه ۵۹ سوره احزاب اولین آیه مربوط به ستر درباره زنان پیامبر اکرم(ص) است. سوره احزاب با هدف استوارسازی پایه‌های رهبری و ولایت پیامبر اکرم(ص) در جامعه اسلامی فرود آمده است. آیات سوره شرط رهبری شایسته‌ای را که مؤمنان مأمور به اطاعت او هستند، بیان می‌کند. رهبر شایسته کسی است که بر عهد و میثاق خود با خدا استوار است؛ فقط از او پروا دارد، مطیع کافران و منافقان نمی‌شود و تابع وحی الهی است و بر خدا توکل می‌کند. رهبری شایسته امانت خدا بر مردم است و مؤمنان به هر قیمتی که شده باید این امانت را حفظ کنند. به منظور عینیت بخشیدن به این هدف است که به جایگاه زنان پیامبر و تنظیم ارتباط دیگران با آنها پرداخته است.

خدای سبحان در آیات ابتدایی سوره از جایگاه زنان پیامبر(ص) سخن می‌گوید و با معرفی آنها به عنوان مادران امت اسلامی: «النَّبِیُّ اُولٰٓئِکُمۡ اُمَّةٌ مِّنۡ اَنْفُسِهٖمْ وَ اَزْوَاجُهُۥ اُمَّهَاتُهُمْ…»(احزاب/۶) جایگاه زنان پیامبر را در کنار آن حضرت در امت اسلامی مشخص می‌کند. با این مقدمات و تأکید بر جایگاه متفاوت آنها از دیگر زنان مشروط به رعایت تقوا و خویشترن‌داری تکالیفی درباره لزوم رعایت حریم از مردان نامحرم در گفتار، کیفیت هم‌اند هیچ یک از زنان نیستید(بلکه برترید) پس نرم سخن مگویید مبدا آنکه بیماراد است به طمع افتد و (نیز) سخن به شایستگی گوئید. و در خانه‌های‌تان آرام گیرید و چون خویش‌آرایی دوره جاهلیت نخستین

زنان دامن زده است. اما ببینیم قرآن درباره مقوله حجاب چه می‌گوید. با عنایت به آیات قرآن کریم حد و حدود حجاب چیست و چه ملاحظاتی در این مقوله وجود دارد؟ و اینکه آیا حجاب مختص زنان است یا خداوند برای مردان نیز در این زمینه تکالیفی را تعیین نموده است. برای پاسخ به این سؤالات به سراغ زینب بخت‌دوبیر دبیر علمی گروه قرآن مرکز مدیریت حوزه علمیه خواهران رفته و با وی به گفت‌وگو نشستیم.

طمع هوس‌بازان قرار می‌گیرد.

در دنیای غرب با وجود تمام تبلیغات و بازنمایی‌های رسانه‌ای شاهد شکل‌گیری ظلم‌های بزرگی علیه زنان هستیم. به طور نمونه آمار خشونت علیه زنان در کشورهای غربی بالاست یا شکل‌گیری برخی مسائل انحرافی همچون همجنس‌گرایی یا اضطلال نهاد خانواده و ظلم مضاعف به زنان مواجهم. آیا می‌توان این مسئله را با حجاب مرتبط دانست؟

امروز در دنیا تشخص اسلامی با تشخص غربی و غیراسلامی در نبرداست. اسلام زن مؤمن را به گونه‌ای معرفی می‌کند که طمع ناپاکان از او بریده شود. در مقابل، تشخص غیراسلامی بی‌تعهد در این باره است اگر نگوئیم خواسته یا ناخواسته به تشدید زمینه‌های آزار علیه زنان دامن زده است.

نکنه جالب اینکه قرآن تشخص زن مؤمن را فقط مخصوص او نمی‌داند؛ احترام قرآن درباره پیامبر(ص)



خدای متعال از راه پوشش زن مسلمان وی و اجتماعی‌را که او به آنها وابسته است، معرفی می‌کند. این معرفی کمالاتی را در او می‌نمایاند که هرزگان را از او دور می‌کند. این تشخص ایمانی بر خلاف شخصیتی است که موجب جلب طمع هرزگان شود، تا به خود جرئت تعرض و آزار جنسی به کلام یا رفتار آلوده‌را بدهند.

این شخصیت بر برابر تشخصی است که به دختران و زنان غیر مسلمان داده می‌شود



به تعبیر دیگر مؤلفه‌هایی که شخصیت ایمانی اجتماع مؤمن را می‌سازد، متعدد است. اگر قرینه‌ای پیدا نشود که نوع مخصوص و منتخبی از این مؤلفه‌ها را ظرفیت مورد نظر برای صدور حکم پوشش اسلامی معرفی کند، چاره‌ای نیست مگر آن که تمام این مؤلفه‌های مؤمنان را که در ۹۰ سوره پیش از سوره احزاب نازل شده‌اند، در حکم پوشش دخیل دانست. در این صورت لیست بسیار بلندی از ویژگی‌ها را باید در کنار هم گذاشت که اثبات ارتباط آنها با حکم پوشش و مقدمه بودن شان نیاز به بررسی‌های متعدد دارد. اما در سوره احزاب آنگاه که در قبال پیامبر و زنانش از اجتماع مطلوب و شکل مردان مؤمن درباره زنان پیامبر و برخورد با آن حضرت بیان می‌دارد می‌توان به ۱۰ ویژگی رسید که خدای متعال جامعه مسلمان را به وسیله آنها معرفی کرده است. این آیه به ۱۰ صفت اجتماع مؤمن اشاره می‌کند که در صورت بررسی و تشخص رابطه آنها با پوشش، پذیرش حکم پوشش آسان می‌شود.

و این ۱۰ ویژگی چیست؟

بهترین آیه‌ای که نصاب درونی شده برای خطاب پوشش اسلامی را بیان کرده، آیه ۳۵ سوره احزاب است. آن جا که از مجموعه مشمول رحمت الهی یاد می‌کند: «بی‌گمان خداوند برای مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان مؤمن و مردان و زنان فرمانبردار و مردان و زنان راست‌گفتار و مردان و زنان شکیبیا و مردان و زنان فرمانبردار و مردان و زنان بخشنده و مردان و زنان روزه‌دار و مردان و زنان پاکدامن و مردان و زنانی که خداوند را بسپار یاد می‌کنند، آموزش و پاداشی سترگ آماده کرده است.»

این آیه پس از بیان حکم مخصوص به انضباط رفتاری زنان پیامبر(ص) با دیگران و پیش از آیه پوشش زنان مؤمن(رایه ۵۹) نازل شده است. آیه ۱۰ ویژگی جامعه مطلوب اسلامی تا آن زمان را مشخص کرد و زنان و مردان را در این ویژگی‌های ارزشی مشترک دانست: ۱- مسلمانی ۲- ایمان ۳- فرمانبرداری ۴- تصدیق نیکي‌ها ۵- شکیبایی ۶- خسوع و افتادگی و تواضع در برابر پروردگار ۷- صدقه و انفاق به نیازمندان ۸- روزه‌داری ۹- پاکدامنی ۱۰- ذکر فراوان خدای متعال.

این صفات به تدریج در طول سال‌ها نزول قرآن در مکه و مدینه با نزول تدریجی آیات مطرح و با تدبیر و تلاش پیامبر اکرم(ص) که مریب مردم بود در جامعه همراه با پیامبر(ص) درونی شد. عمده این موارد در سور مکی و برخی از آنها چون روزه‌داری قطعا در مدینه حاصل شده بود. از این رو برای تحقق جامعه متمشخص ایمانی که زاننش حکم پوشش را پذیرا باشند باید این صفات در بین مؤمنان درونی شده باشد.

بحث مهم دیگری که در مسئله حجاب مطرح است موضوع حجاب برای مردان است. طبق آیات قرآن آیا مسئله حجاب برای مردان هم موضوعیت پیدا می‌کند؟ مصادیق آن را بفرمایید.

بله نکته بسیار مهم نقش مردان مؤمن است. از خطاب آیه ۵۹ احزاب که درباره پوشش زنان مؤمن است استفاده می‌شود که مردانی مثل پیامبر(ص) و مؤمنان نیز در حمایت از اجرای حکم پوشش دخالت دارند. اگر چنین نبود انتساب زنان به ایشان در آیه ۵۹ احزاب (نسأ المؤمنین) معنا نداشت بلکه باید می‌فرمود: ای زنان مؤمنه! نکته دیگر آن که نصاب ویژگی‌های ۱۰ گانه بالا شامل زن و مرد جامعه ایمانی شده است. یعنی در جامعه‌ای که زن و مردش به طور عموم واجد این نصاب ایمانی باشند، حکم پوشش زنان درونی‌سازی خواهد شد. برای بیان حکم پوشش زنان و ارزش‌گذاری و هنجارسازی پوشش اسلامی ابتدا باید در جامعه ایمانی قابلیت‌های ۱۰گانه ایجاد شده باشد و با درونی شدن شان تشخص اسلامی و ایمانی پدید آمده باشد.

از منظر آیات قرآن نقش جامعه در بحث فرهنگ حجاب چیست؟

اینکه حکم پوشش در سطور مدنی از سوره احزاب شروع می‌شود و پس از نزول سه سوره مهم اجتماعی یعنی بقره، انفال و آل عمران حکم پوشش اسلامی بیان می‌شود، نشان می‌دهد که یک ظرفیت اجتماعی ایمانی هم باید به فضای حاکم در مدینه اضافه می‌شد تا زمینه اجرای فلسفه حکم پوشش اسلامی فراهم شود. آیه ۳۵ سوره احزاب در پاسخ به پرسش از شخصیت ایمانی مردمی است که خداوند متعال در آیه ۵۹ این سوره حکم پوشش را متوجه ایشان کرده و از فلسفه حکم پوشش برای ایشان سخن گفته است.

بر این اساس جامعه‌ای پذیرای حکم پوشش می‌شود و فرهنگ پوشش زمانی ممکن می‌شود که قبلاً احکام و ارزش‌های دیگر تبدیل به هنجار شده باشد. تا زمانی که آنها هنجار نشوند حکم پوشش پذیرفته نمی‌شود.

حزب بیان شد، مقدمه‌ای برای پذیرش حکم پوشش است. تا این صفات هنجار مردم مؤمن نشود قانون پوشش درونی‌سازی نمی‌شود و پذیرش‌هایی از سر ترس از قانون و همراه با احساس تکلیف خواهد بود.

جمعیت‌پایدار

چالش جمعیت در کشورمان جدی است. هرم سنی جامعه رو به پیری می‌رود و روند رشد جمعیت همچنان در سرایشیمی سقوط قرار دارد و به حدود شش‌دهم درصد رسیده است. هر سال آمار تولد به شکل محسوسی کاهش می‌یابد و با بسته شدن پنجره جمعیتی جبران این کاهش محسوس و اصلاح روند رشد جمعیت امری غیرممکن خواهد بود. فرصت کم است و برای حفظ نمای جوان جامعه باید فکری اساسی کرد. بر این اساس با عنایت به اهمیت مسئله جمعیت و تأکیدات مکرر مقام معظم بر این مقوله صفحه زنان روزنامه جوان به شکل ثابت در ستون «جمعیت پایدار» به مقوله جمعیت و مسائل پیرامون آن خواهد پرداخت. نخستین مطلب این ستون در شماره پیشین صفحه زنان منتشر شد و از این پس بنا داریم هر هفته به این موضوع بپردازیم.



فرزندان همچنان سرمایه‌اند

■ **دکتر صالح قاسمی***

تغییر الگوهای فرزندآوری از تغییر نگرش انسان به زندگی و مقولات مختلف شکل می‌گیرد. یعنی وقتی این تغییر و دگرگونی‌ها اتفاق می‌افتد که نگرش‌ها تغییر می‌کند.

در طول تاریخ فرزندان و خانواده از جمله اصلی‌ترین مصادیق سرمایه‌های انسانی بوده‌اند. به ویژه در دوران عصر کشاورزی، فرزندان سرمایه‌هایی بوده‌اند که به شکل جدی در رشد و پیشرفت خانواده‌ها ایفای نقش و کمک می‌کردند و تأثیرگذار بودند.

در واقع فرزندان در آن دوران سرمایه‌های کاملاً محسوسی بودند که نقش آفرینی شان در کار و اقتصاد خانواده قابل لمس بود.

در دوره صنعتی شدن در جهان هم همین‌طور بود. فرزندان به شکل سرمایه‌های خانواده و به شکل نیروی کار فعال با داشتن انرژی و پویا و خلاق، در رشد خانواده تأثیر بسیار زیادی داشتند و این حس سرمایه بودن فرزندان به شدت محسوس بود.

با گذر زمان و با تغییر سبک زندگی بشر، به ویژه با افزایش شهرنشینی و افزایش روند مدرنیزاسیون زندگی در جهان، تغییرات نگرشی جدی در زندگی بشر اتفاق افتاد و آرام‌آرام فرزند از یک سرمایه یا به تعبیری از جایگاه یک مقوله سرمایه‌ای به یک مصرف‌کننده تبدیل شد و این‌طور به نظر رسید که دیگر عنوان سرمایه‌ای برای فرزند مصداق ندارد و فرزندانی دیگر به موجوداتی کاملاً سربار خانواده و در واقع به مصرف‌کننده محض تبدیل شدند. هر قدر هم در روند مدرنیت شدن زندگی جوامع بشری و شهرها پیش رفتیم، این حس و طرز فکر تقویت شد. در حالی که قویا و قطعا این یک تصور باطل است و ما اعتقاد داریم که این نقطه‌نظر و این دیدگاه که فرزند و فرزندانی دیگر سرمایه نیستند بلکه مصرف‌کننده هستند، کاملاً خطا است. در توجه اینکه هنوز هم فرزندانی خانواده سرمایه به شمار می‌آیند باید گفت اگر چه فرزندان امروز آن نقش آفرینی را که در دوره کشاورزی و در دوره صنعتی شدن جهان داشتند، ندارند اما اتفاقاً در فضای امروز فرزندانی از نظر روحی، روانی و عاطفی و مداخله در کیفیت زندگی بشر به شدت تأثیرگذار هستند.

در عصر انقلاب صنعتی در جهان و ارتقای مدرنیزاسیون، انسانی که به شدت دچار خلأهای عاطفی و روحی و روانی می‌شود و نیازهای فطری‌اش را تأمین نشده می‌بیند با داشتن فرزند به شدت به لحاظ عاطفی تقویت می‌شود و به لحاظ روحی و روانی و معنوی ثبات پیدا می‌کند. در واقع احساس می‌کند که تلاش او در این عصر صنعتی شدن بی‌هوده نیست و محصولی در آن وجود دارد به نام فرزند. لذا ما قائل به این هستیم که فرزند همچنان سرمایه‌اند.

بر این اساس اگر در عصر کشاورزی سرمایه‌ای بودند که به عنوان نیروی کار کشاورزی می‌کردند، اگر در عصر صنعتی و مدرنیزاسیون نیروی کاری بودند که می‌توانستند پیشرفت را رقم بزنند، امروز فرزندان به عنوان رکن رکیس خانواده می‌توانند کیفیت زندگی بشر را ارتقا داده و به زندگی آنها هداف بدهند. فرزندانی می‌توانند به انسان امید به آینده و انگیزه برای تلاش بیشتر را هدیه کنند. در واقع فرزندانی می‌توانند برای والدین شان نشاط و سرزندگی و پویایی و شادی را به ار مغان بیاورند.

در یک کلام فرزندانی می‌توانند کیفیت زندگی خانواده و والدین را به طور محسوسی ارتقا بدهند. پس فرزندان همچنان سرمایه‌اند و ما باید بدانیم که بر خلاف دگرگونی نگاه بشر نسبت به سرمایه‌ها و داشته‌هایش بزرگ‌ترین سرمایه‌های زندگی بشر هنوز هم فرزندان شان هستند.

***مسئول کارگروه جمعیت مرکز ارزیابی اجرای سیاست‌های کلی نظام**